سه دستور عرفانی از علامه طباطبایی(ره(

سید قوام الدین حسینی

درخواست دستورالعمل و برنامه برای خودسازی و خویشتن نگری در اسلام، سابقه ای دیرینه دارد. روایات نشان می‌دهد که جویندگان کمال و سعادت، از پیامبر گرامی(ص) و ائمه هدیََ(ع) برای خودسازی تقاضای برنامه می‌کردند و آن بزرگواران مناسب حال درخواست کننده، برنامه ای به وی می‌دادند.

همین مسئله از عالمان وارسته و سالکان واصل، بسیار تقاضا شده است و آن گرامیان به این درخواست‌ها پاسخ داده اند. اکنون این دستورالعمل‌ها بسان مشعل هدایت فرا راه طالبان خودیابی و نیکبختی قرار دارد.

امید است نشر این نامه ها در دل‌های مشتاق، مشعل افروزد و ریشه های شرک خفی بسوزد و از آن پیر اهل دل، یادی شود.

در سال 1355 هجری شمسی نور بیداری بر قلب طلبه‌ای جوان و فاضل می‌تابد و او را برای نجات و رستگاری به تکاپو می‌اندازد. نامه‌ای به علامه طباطبایی(ره) می‌نویسد و دستوری برای عمل می‌خواهد. مرحوم علامه با بزرگواری به نامۀ وی پاسخ می‌دهد و دستوراتی برای تزکیه به او می‌دهد. پس از مدتی نامه دوم جوان به دست علامه می‌رسد که می‌خواهد با روشن‌بینی باطنی از حال او با خبر گردد و رسم عشق و بندگی را به او بیاموزد. مرحوم علامه دومین نامه را در پاسخ وی می‌فرستد و پس از سومین نامه آن جوان، مرحوم علامه سومین نامه را برایش می‌فرستد.

در اینجا متن کامل نامه اول و بخشی از نامه دوم این جوان و هر سه پاسخ علامه طباطبایی را که در سه مرحله برای وی نگاشته است می‌آوریم:

نامه اول

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارک نخبهْْ الفلاسفهْْ و آیه‌ الله العظمی جناب آقای طباطبائی ادام الله عمرکم ماشاءالله سلام علیکم و رحمهْْ الله و برکاته.

کوتاه سخن آنکه جوانی هستم 22 ساله، میزان تحصیل پنجم ریاضی. اشتغالات فعلی تحصیلات حوزه قم حدود لمعه اصول الفقه. آخوندزاده. محیط زیست: دو سال سربازی در تهران، شش سال کودکی در قم، تحصیلات اولیه و بیشتر تحصیلات دبیرستان نیز در قم، چند سالی کرمانشاه.

چنین تشخیص می دهم که تنها ممکن است شما باشید که به این سؤال من پاسخ دهید. در محیط و شرایطی که زندگی می کنم، هوای نفس و آمال و آرزوها بر من تسلط فراوانی دارند و مرا اسیر خود ساخته اند و سبب آن شده اند که مرا از حرکت به سوی الله و حرکت در مسیر استعداد خود بازداشته و می دارند.

درخواستی که از شما دارم برای من بفرمایید بدانم به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم و این طلسم شوم را که همگان گرفتار آنند بشکنم و سعادت بر من حکومت کند؟

یادآور می شوم نصیحت نمی خواهم و الا دیگران ادعای ناصحیت فراوان دارند. دستورات عملی برای پیروزی لازم دارم. همان‌گونه که شما در تحصیلات خود در نجف پیش استاد فلسفه داشتید، همان شخصی که تسلط به فلسفه اشراق داشت (مسموع است).

باز هم خاطرنشان می سازم که نویسنده با خود فکر می کند که شفاهاً موفق به پاسخ این سؤال نمی شود. وانگهی شرم دارم که بیهوده وقت گرانمایه شما را بگیرم. لذا تقاضا دارم پدرانه چنانچه صلاح می دانید و بر این موضوع می توانید اصالتی قائل شوید مرا کمک کنید. در صورت منفی بودن، به فکر ناقص من لبخند نزنید و مخفیانه نامه را پاره کنید و مرا نیز به حال خود وا گذارید. متشکرم

امضا23/10/1355

جواب علامه به نامه اول

السلام علیکم

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که در پشت ورقه مرقوم داشته اید لازم است همتی برآورده، توبه ای نموده، به مراقبه و محاسبه پردازید؛ به این نحو که هر روز که طرف صبح از خواب بیدار می شوید قصد جدی کنید که در هر عملی که پیش آید رضای خدا - عز اسمه - را مراعات خواهم کرد. آن وقت در سر هر کاری که می خواهید انجام دهید نفع آخرت را منظور خواهید داشت؛ به طوری که اگر نفع اخروی نداشته باشد انجام نخواهید داد، هر چه باشد. همین حال را تا شب، وقت خواب ادامه خواهید داد و وقت خواب، چهار ـ پنج دقیقه ای در کارهایی که روز انجام داده اید فکر کرده، یکی یکی از نظر خواهید گذرانید. هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکری بکنید و هر کدام تخلف شده، استغفاری بکنید. این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش اگر چه در بادی حال سخت و در ذائقه نفس تلخ می باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است و هر شب پیش از خواب اگر توانستید سور مسبحات یعنی سوره حدید و حشر و صف و جمعه و تغابن را بخوانید و اگر نتوانستید تنها سوره حشر را بخوانید و پس از بیست روز از حال اشتغال، حالات خود را برای بنده در نامه بنویسید. ان شاء الله موفق خواهید بود. والسلام علیکم.

برخی نکات موجود در این نامه

\* عزم و همت در آغاز حرکت؛

\* توبه نخستین گام ؛

\* تأکید بر مراقبت و محاسبه ؛

\* انجام کارها برای رضای خدا و نفع اخروی. وارسی از نیت در آغاز هر کار ؛

\* ترک هر کاری که برای رضای خدا نباشد ؛

\* محاسبه هنگام خواب ، به مدت پنج دقیقه در آغاز برنامه ، شکرگزاری و استغفار ؛

\* تلخ بودن مراقبت در ذائقه نفس در آغاز ؛

\* مراقبت کلید نجات و رستگاری ؛

\* سفارش به تلاوت مسبِّحات هنگام خواب ؛

\* تأثیر مراقبت و محاسبه در مدت بیست روز با عمل جدی به آن ؛

\* بزرگواری استاد علامه در اجازه مکاتبه و توجه به نقش نظارتی استاد در سلوک

نامه دوم

بسم الله الرحم الرحیم

محضر مقدس نخبهْْ المجتهدین حجه‌ْْالاسلام والمسلمین جناب آقای علامه محمدحسین طباطبایی دام مجده سلام علیکم و رحمهْْ الله و برکاته.

خداوند ان شاء الله خیر دنیا و آخرت عطایت فرماید و با اولیا و انبیا محشورت سازد.

برادر عزیز! فراوان احساس کمبودی می کنم. هر چه دست و پا می زنم و تلاش می کنم و به هر جهت می نگرم دریا در نظرم وسیع‌تر جلوه می کند. ندانم در چه مسیری روی گردانم. کدام سفینه را سوار شوم تا به ساحل خوشبختی برسم؟! از شما بردار عزیز استمداد می طلبم. نمی دانم مرا چه می شود. مدتی است خود را چنان بینم که بر آسمان افکارم ابرهای سنگین و تیره و تار برآمده و عالم مرا غمناک ساخته اند، حتی غرشی نیست تا ببارد و آسمانی صاف بینم. عامل این تیرگی چیست، نمی دانم.

در لا به لای این حالات فکر می کنم اگر سؤال مرا در این موضوع پاسخ گویید راحت شوم.

برادر عزیز! با روشن بینی خود و حقیقت خواهی خود اگر بتوانید حالت مرا درک کنید و آنچنان جوابم گویید که ناخودآگاه جرقه ای در من به وجود آید که تا ابد (مرگ) روشن باشم. آیا می توانید راهنمایی کنید تا عاشق خدا شوم، عاشق پیامبر شوم عاشق اولیای خدا شوم؟ راه چیست و چاره کدام؟ اگر راز عشق، مرا آموزید و معشوق را به نیکی برایم بشناسانی ولو بروی خود می روم. اگر حالت عشق در من بتوانی سازی و دستم گرفته، به کوی عشق رهبری نمایید و با اشاره معشوق را بنمایی، دوان دوان می روم حتی لحظه ای آرام نمی گیرم.

اما چه کنم جاهلم و عاشق نیستم.

موقعیت نویسنده: طلبه پایه معلومات: پایان دوره دبیرستان، دیپلم. علوم اسلامی: لمعه و اصول الفقه، سن:23 سال.

استاد عزیز! از قرآن جز خواندن ـ بدون تعارف ـ چیزی نمی دانم. با سخنان معصومین تقریباً بیگانه ام. چگونه و به چه اندازه بر آنها وارد شوم و چگونه استفاده کنم؟ صبر کنم تا رشد علمی بیابم یا به موازات تحصیل طریق استفاده را نیز بیان فرمایید.

جواب علامه به نامه دوم

عرض می‌کنم روشی که برای ما در همه حال و همه شرایط در حد ضرورت است روش بندگی و به عبارت دیگر روش خداشناسی است و راه آن طبق آنچه از کتاب و سنت برمی آید همانا یاد خدا و امتثال تکالیف عملی است؛ یعنی همان مراقبه و محاسبه است که در نامه اولی خدمتتان عرض شد. فعلاً به این ترتیب که هر صبح که از خواب بیدار می شوید تصمیم بگیرید که خدا را فراموش نخواهید کرد. آن‌گاه به‌طور استمرار خود را در برابر خدا تصور کنید و شب وقت خواب به حساب کارهای روز بپردازید. اگر غفلتی شده استغفار و توبیخ نفس و اگر نشده حمدی به خدا بکنید و ضمناً برای تقویت ذکر تا چهل روز، روزی هزار مرتبه طرف صبح با توجه تام کلمه طیبه لااله الاالله بگویید. حال بندگی که از این روش به دست می آید الگو و مقیاس همه حالات زندگی است.

نکات موجود در نامه دوم :

بندگی و خداشناسی یگانه راه رهایی و نجات ؛

امتثال تکالیف الهی و یاد خدا روش کتاب و سنت در حرکت به سوی کمال ؛

مراقبت و محاسبت ، راه امتثال تکالیف و یاد خدا بودن ؛

محاسبه هنگام خواب ، استغفار و توبیخ نفس در صورت مخالفت و شکر خدای متعال در صورت موفقیت در مراقبت ؛

سفارش به ذکر » لااله الا الله « به شمارۀ هزار ، هنگام صبح با توجه کامل برای تقویت ذکر و یاد خدا به مدت چهل روز ؛

توجه به نقش اربعین ـ مداومت بر عمل به مدت چهل روز ـ در تأثیر گزاری اعمال و اذکار ؛

فراگیر کردن حال بندگی و ذکر در همه حالات زندگی

جواب علامه طباطبایی به نامه سوم (این نامه در اختیار ما نیست)

بسمه تعالی

برادر عزیز!

حالتی که به شما رخ می دهد حالت جذبه است. لازم است که به مراقبه بپردازید و با تمام قوا به سوی خدای متعال توجه کنید و خود را برابر حق ببینید و تصور کنید و ضمناً روزانه اقلاً با خدای خود –‌عز‌اسمه - ساعتی خلوت کرده، به ذکر او مشغول باشید. با استخاره یکی از دو ذکر شریف (لااله الاالله روزی 1000 مرتبه یا 1750 مرتبه)، (الله بدون حرف ندا روزی 1500 مرتبه و اگر توانستید سه هزار مرتبه) مشغول شوید و در خوردن و نوشیدن و حرف زدن و معاشرت و خواب، از افراط و تفریط بپرهیزید و فرصت را غنیمت شمارید. چنانکه می فرماید: اِنَّ لِرَبِّکُم فِی اَیامِ دَهرِکُم نَفَحَاتٍ اََلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا وَ لَا تُعرِضُوا عَنهَا. وفقکم الله و ایدکم ان شاءالله.

نکات موجود در نامه سوم :

موفقیت درسلوک و وزیدن نسیم جذب الهی ، با جدیت در مراقبت و عمل به دستورهای استاد؛

تقویت مراقبت و توجه به خدا با تمام قوا و پیوسته خود را در برابر خدا تصور کردن؛

خلوت با خدا و ذکر در ساعاتی از روز؛

افزودن ذکر خدا ، لااله الا الله و الله با عدد معین؛

توجه به نقش تعیین کننده شماره اذکار در حالات روحی گوناگون؛

دوری کردن از افراط و تفریط در خوردن، نوشیدن، حرف زدن، خوابیدن و معاشرت؛

اغتنام فرصت.